



"انجنیر نسرین منصور"

افزایش خشونت های سیاسی و دولتی علیه زنان



خشونت علیه زنان از ریشه های گوناگون تبعیض و تفاوت های جنسی نشات میگیرد و پیشینه تاریخی داشته که تقریباً در همه جوامع بشری منجر به تحت تسلط کشانیدن و تعرض علیه زنان توسط مردان و ممانعت از پیشرفت در سیر تکامل طبیعی زنان انجامیده است. یکی از انواع خشونت ها، خشونت سیاسی و دولتی است. که تنها بر زنان محدود نمانده بلکه تمام افراد جامعه را دربر میگیرد.

مثلاً عملیات های جنون آمیز، رقابت های تسلیحاتی، تهاجمات و خشونت های نظامی، بمباران مناطق مسکونی، لشکر کشی ها و اشغال سرزمین ها توسط نیروهای زورگو و خودکامه دولتی، دستگیری و کشتار جمعی، نژاد پرستی، شکنجه های وقیحانه در بازداشتگاه ها، گروگان گیری و تحقیر و توهین و تجاوز و بی حرمتی، شکنجه های جسمی و روحی، وضع قوانین اهانت آمیز سادیستی و سایر خشونت های وحشیانه و غیر انسانی که همه ابعاد قرون وسطایی دارند و اما خشونت دولتی علیه زنان شامل تجاوز، تجارت زنان، فحشای اجباری، کار اجباری، تبعیضی و تحقیر جنسی در محیط کار، تحصیل و مکان های عمومی دیگر میشود. همچنان وضع قوانین ضد زن از سوی دولت و یا حکومتی که در ارگانهای دولتی توسط پلیس، کارکنان زندانها، ارتش، مأموران گمرکی و یا کارمندان ادارات انجام میشود و حتی سکوت در مقابل آن، خشونت دولتی محسوب میشود. شکنجه، عقیم سازی اجباری، خشونت در حین جنگ و خشونت علیه زنان مهاجر از موارد خشونت دولتی هستند.

از عوامل تشدید خشونت علیه زنان میتوان فقر، بیسوادی، عوامل فرهنگی، مذهبی و سنتی را نام برد. جدایی زن از زندگی اجتماعی و سیاسی امکان مبارزه برای کسب حقوق را از او سلب میکند.

دولت های زیادی هستند که حتی حقوق ابتدایی زنان را در زمینه تحصیل، برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی و تأمین اجتماعی را برسمیت نمی شناسند. به هنگام تعرض به زنان و اعمال خشونت به آنان به ویژه در حوزه زندگی خصوصی و خانوادگی به ارگانهای دولتی و قوه قضائیه بی تفاوت بوده و یا حمایت لازم را از زنان دریغ می کنند.

به این ترتیب مبارزه زنان برای کسب حقوق خود، عرصه های گوناگونی دارد که با یکدیگر پیوند دارند: عرصه خصوصی، اجتماعی و سیاسی. در نظر نگرفتن ارتباط بین این عرصه ها و محدود کردن مبارزه به یکی از این عرصه ها، دست خشونت در عرصه های دیگر را باز میگذارد.

بر طبق آمارها 70 درصد از زنان تحت خشونت هستند، برای حدود یک چهارم زنان آغاز خشونت از همان شب اول ازدواج است. و در هرتانیه یک زن مورد آزار و اذیت قرار میگیرد و در 95 درصد خانواده ها خشونت اعمال شده از سوی مردان است. همچنین طبق گزارشات جهانی، امروز باید 200 میلیون زن بیشتر از شمار کنونی در جهان وجود میداشت ولی بیشترین این عده کشته شده اند. 80 میلیون آنها در همان زمان که نطفه شان در رحم مادر بسته شد، فقط به جرم دختر بودن سقط شده اند.

همچنین درین گزارشها آمده است که خشونت در خانواده ها در تمامی طبقات، نژادها وجود داشته و حتی در جوامع مترقی و پیشرفته که خود را حامی حقوق زن میدانند، همواره از برابری و تساوی حقوق زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض سخن بمیان می آورند، از خشونت های خانوادگی گرفته تا خشونت های سیاسی و دولتی بصورت واضح و آشکار دیده میشود.

چنانچه طبق آمارهای منتشره از سوی ادارات دولتی و احصائیه مرکزی کشورهای اروپایی در کار همگون و یکسان زنان با مردان در اروپای غرب زنان 8 درصد کمتر از مردان و در اروپای شرق 12 درصد کمتر از مردان حقوق و یا معاش بدست می آورند.

به صورت کل و عمومی زنان در اروپا 18 درصد کمتر از مردان معاش دارند. و بلند ترین تفاوت به ترتیب در ایسلند 30,3 درصد، اتریش 25,5 درصد، آلمان 23,8 درصد، هلند 23,64 درصد و ایتالیا 4,9 درصد معاشات زنان کمتر از مردان میباشد. همچنان اوسط معاشات فی ساعت برای زنان 14,51 آبرو و برای مردان 18,90 آبرو میباشد. بنابراین احصائیه که از طرف ادارات احصایه مرکزی آلمان در سال 2007 بنشر رسیده است در همین سال 42 درصد درجه علمی دکتورا را بدست آورده اند و 52 درصد فارغ التحصیل دانشگاه ها زنان بوده است و 16 درصد زنان به درجه علمی پروفیسور نایل گردیده اند. اما در کتگوری بلند معاشات تنها 12 درصد زنان شامل میباشد. با این تفاوت های کلی دیده میشود باوجود اینکه زنان در آلمان از فیصدی قابل ملاحظه درجات علمی و تحصیلات عالی برخوردار میباشند، برخلاف در سطوح معاشات بلند در فیصدی خیلی ناچیزی قرار دارند.

همچنان عضویت زنان در در هیئت رئیسه احزاب سیاسی آلمان از فیصدی قابل ملاحظه برخوردار نبوده، اما زنان که عضویت احزاب سیاسی را دارند، بیشتر خود آنها میخواهند که بر اساس شایستگی کار و لیاقت شخصی خود ارتقا نمایند. با وجود اینکه برخی از احزاب میخواهند در ترکیب هیئت رئیسه فیصدی زنان را به 40 تا 50 درصد برسانند. اکثریت زنان میخواهند که نباید بین زن و مرد تبعیض جنسی قابل شد و صرف به شکل سمبولیک و نمایشی نمیخواهند ارتقا نمایند. همچنان قابل یاد آوری میدانم که نهاد های حامی حقوق زن و احزاب چپ و مترقی آلمان در اروپا همواره طی گردهمایی ها و متینگ ها و محافل، بر این شعار تأکید مینمایند که زنان با کار مساوی با مردان باید اجرت و استمزد مساوی کسب نمایند. چنانچه یکی از رهبران سندیکا های بزرگ آلمان "هلگا یشواتیز" در گردهائی در شمالغرب آلمان اظهار داشت: "در مواقع بحران میزان اشتغال کاهش میابد و غالباً زنان اولین کسانی هستند که شغل شانرا از دست میدهند. زنان نباید قربانیان و بازنده های بحران باشند" و همچنین بر این واقعیت تأکید کرد که هنوز هم دستمزد زنان بطور اوسط 23 درصد کمتر از مردان است.

در فرجام یاد آور میشوم که زنان کشورهای پیشرفته و مترقی تا حدود زیادی توانسته اند مشارکت و فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را عملاً بدست بیاورند و بر مبنای علم است که زنان میتوانند صاحب کار و شغل شوند و از وابستگی های اقتصادی، سیاسی. اجتماعی مردان نجات پیدا کنند.

پس بیائید ما زنان افغانستان در راه بیرون رفت از خشونت، ظلم، اسارت و بدبختی، گامهای معین برداشته در رفع کاهش هر نوع خشونت علیه زنان، قوانین تبعیض زن و مرد و رسوم کهنه و پوسیده قرون وسطایی مبارزه و سعی و تلاش جدی نموده خواهان برابری حقوق و آزادی برای زنان مظلوم و ستمدیده میهن عزیز ما افغانستان گردیم.

"انجنیر نسرين منصور"

مسئول شورای همبستگی زنان افغانستان در آلمان
" ایالت هسن "